

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
پیااده‌سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مآخذ	ویرایش دوم	تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی

## ادب لعن

**کلیدواژه‌ها:** حدیث امام عسکری علیه السلام درباره‌ی لعن در خلوت، لعن و صلوات تخلّق به اخلاق الله، لعن به اسم، ادب‌های گفتن لعن، لعن نوعی دعا، لعن با صدای آهسته گفتن، لعن برکننده‌ی ریشه‌ی بدی‌ها از وجود، نقد جشن‌های روز نهم ربیع‌الاول به مناسبت تاجگذاری امام زمان علیه السلام.  
در مورد بحث روز نهم ربیع‌الاول سؤال کرده‌اند. اجمال قضیه این است: دیدید؛ من روایت خواندم. دیدید در این روایت، امام عسکری علیه السلام از قول پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد دوستی که در خلوت‌ها لعن می‌کند، چقدر فضیلت نقل کردند! لعن یک سجّیه‌ی ایمانی است. خدا نماز نخوانده است که بگوید من نماز می‌خوانم، شما هم نماز بخوانید. خدا روزه نگرفته است که بگوید من روزه می‌گیرم، شما هم روزه بگیرید. اما دو کار است که خدا گفته من انجام می‌دهم، شما هم انجام دهید. یکی این است که

---

۱. عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَاصِمٍ الْكُوفِيِّ الْأَعْمِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى سَيِّدِي الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ... قُلْتُ لَهُ إِنِّي عَاجِزٌ عَنْ نُصْرَتِكُمْ بِيَدِي وَ لَيْسَ أَمْلِكُ غَيْرَ مُوَالَاتِكُمْ وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ اللَّعْنِ لَهُمْ فِي خَلَوَاتِي فَكَيْفَ حَالِي يَا سَيِّدِي فَقَالَ علیه السلام حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ قَالَ مَنْ ضَعَفَ عَلَيَّ نُصْرَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ لَعَنَ فِي خَلَوَاتِهِ أَعْدَاءَنَا بَلَغَ اللَّهُ صَوْتَهُ إِلَى جَمِيعِ الْمَلَائِكَةِ فَكَلَّمَا لَعَنَ أَعْدَاءَنَا صَاعِدَتُهُ الْمَلَائِكَةُ وَ لَعَنُوا مَنْ لَا يَلْعَنُهُمْ فَإِذَا بَلَغَ صَوْتُهُ إِلَى الْمَلَائِكَةِ اسْتَعْفَرُوا لَهُ وَ اتَّخَوْا عَلَيْهِ وَ قَالُوا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى رُوحِ عَبْدِكَ هَذَا الَّذِي بَدَلَ فِي نُصْرَةِ أَوْلِيَائِهِ جُهْدَهُ وَ لَوْ قَدَرَ عَلَى أَكْثَرِ مِنْ ذَلِكَ لَفَعَلَ فَإِذَا التَّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ تَعَالَى يَقُولُ يَا مَلَائِكَتِي إِنِّي قَدْ أَحْبَبْتُ [أَحْبَبْتُ] دُعَاءَكُمْ فِي عَبْدِي هَذَا وَ سَمِعْتُ بَدَاءَكُمْ وَ صَلَّيْتُ عَلَى رُوحِهِ مَعَ أَرْوَاحِ الْأَبْرَارِ وَ جَعَلْتُهُ مِنَ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَخْيَارِ: مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۱۶؛ جزائری، نعمت‌الله، ریاض‌الابرار، ج ۲، ص ۵۰۵ و منسوب به امام عسکری علیه السلام، التفسیر، ص ۴۷ (با اندک تفاوت‌هایی در عبارات).

فرمود: **إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا**.<sup>۲</sup> پس یکی صلوات است. خدا فرموده است من صلوات می فرستم، پس شما هم صلوات بفرستید. این تخلُّق به اخلاق الله است. یکی دیگر از کارهایی که خدا گفته است من انجام می دهم، شما هم انجام دهید، لعن است: **أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ يَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ**.<sup>۳</sup> گفته است خدا لعن می کند، لعن کنندگان هم لعن می کنند؛ نبیین، ملائکه و مؤمنین لعن می کنند.

پس از یک سو، کسانی که لعن را مطلقاً نفی می کنند، اشتباه می کنند. از سوی دیگر، لعن به شخص و به اسم، در مورد کسانی که خود اهل بیت علیهم السلام یا قرآن آنها را به اسم لعن کرده اند، کار بسیار صحیحی است؛ اما درباره ی کسانی که معصوم علیه السلام در مورد شخص آنها اظهار نظر نکرده است، بهتر این است که انسان، دارنده ی صفت آنها را که شخص را سزاوار لعن می سازد، لعن کند؛ یعنی بگوید لعنت خدا بر کسی که یک چنین کاری کرده است. اما اینکه آیا من یقین دارم که این شخص این کار را کرده است و آیا این شخص شایسته ی لعن است، نه. چون روایت داریم که اگر کسی را که شایسته ی لعن نیست، لعن کنی، لعن به خود تویی که او را لعن کرده ای برمی گردد و شامل حال خودت می شود.<sup>۴</sup>

بنابراین باید قدری اینجا مراعات کرد. کسانی هستند که صریح احادیث یا خود قرآن کریم بیان کرده است که ملعون هستند. لذا لعن کردن آن اشخاص به اسم، کار بسیار خوبی است و هم صفت شدن با خدا و معصومین علیهم السلام است. اما علمای اخلاق در مورد کسانی که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام معصوم علیه السلام یا

۲. سوره ی احزاب، آیه ی ۵۶.

۳. سوره ی بقره، آیه ی ۱۵۹.

۴. عَنِ ابْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّعْنَةَ إِذَا خَرَجَتْ مِنْ صَاحِبِهَا تَرَدَّدَتْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الَّذِي يَلْعَنُ فَإِنْ وَجَدَتْ مَسَاعًا وَ إِلَّا عَادَتْ إِلَى صَاحِبِهَا وَ كَانَ أَحَقَّ بِهَا فَاحْذَرُوا أَنْ تَلْعَنُوا مُؤْمِنًا فَيَجَلَ بِكُمْ: مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۲۰۸ و حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۳۰۱.

خدای متعال در قرآن به اسم، آنها را لعن نکرده‌اند، توصیه کرده‌اند که اسم آنها را نبرید؛ بلکه بگویید لعنت خدا بر دارنده‌ی این صفت و انجام‌دهنده‌ی این کار باد.

نکته‌ی دیگر این است که لعن، نوعی دعاست. لعن یعنی خدایا! او را از رحمت خود دور بدار و محروم کن. لعن فحش، سب، دشنام و هتاک نیست. بنابراین باید بدانیم که لعن کردن و تبری جستن غیر از فحاشی و بی‌ادبی است.

نکته‌ی دیگری که در روایت امام حسن عسکری علیه السلام وجود دارد و باید به آن دقت کرد، این است که ایشان فرمودند: دوست اهل بیت علیهم السلام در خلوت می‌نشینند و لعن می‌کند.<sup>۵</sup> ادب هر ذکر را باید مراعات کرد. کماینکه شما وقتی می‌خواهید قرآن تلاوت کنید، ادب گفتن **أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ** در ابتدای تلاوت قرآن چیست؟ این است که انسان این عبارت را با صدای بسیار آرام بگوید. ادب گفتن **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** چیست؟ این است که با صدای بلند گفته شود.<sup>۶</sup> لذا در نماز هم که مستحب است انسان قبل از سوره‌ی حمد، **أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ** بگوید، **أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ** را باید با صدای آهسته بگوید؛ اما باید جهر به **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** داشته باشد و همان طور که می‌دانید، جهر به **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** یکی از صفات مؤمن است.<sup>۷</sup> حتی در نمازهایی مثل نماز ظهر و عصر که

---

۵. عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَاصِمٍ الْكُوفِيِّ الْأَعْمِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى سَيِّدِي الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ... قُلْتُ لَهُ إِنِّي عَاجِزٌ عَنْ نُصْرَتِكُمْ يَدَيَّ وَ لَيْسَ أَمْلِكُ غَيْرَ مُوَالَاتِكُمْ وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ اللَّعْنِ لَهُمْ فِي خَلَوَاتِي فَكَيْفَ حَالِي يَا سَيِّدِي فَقَالَ ۷ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ ۹ قَالَ مَنْ ضَعُفَ عَلَى نُصْرَتِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ وَ لَعَنَ فِي خَلَوَاتِهِ أَعْدَاءَنَا بَلَغَ اللَّهُ صَوْتَهُ إِلَى جَمِيعِ الْمَلَائِكَةِ...: مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۳۱۶ و جزائری، نعمت‌الله، ریاض‌الابرار فی مناقب‌الائمة‌الاطهار، ج ۲، ص ۵۰۵.

۶. حرّعاملی، وسائل‌الشیعة، ج ۶، صص ۷۴، ۷۵ و ۱۳۴؛ عروسی‌حویزی، نورالثقلین، ج ۳، ص ۸۴ و فیض‌کاشانی، وافی، ج ۸، صص ۶۴۹-۶۵۰.

۷. سیّدین‌طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۲، ص ۵۸۹؛ حرّعاملی، وسائل‌الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۷۸ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۵، ص ۳۴۸.

حمد و سوره‌ی آنها را باید آهسته خواند، باز هم بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سوره‌ی حمد و سوره‌ی بعد از حمد را با صدای بلند می‌گویند.

پس ادب **أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ** با صدای آهسته گفتن و ادب **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** با صدای بلند گفتن است. همین‌طور ادب لعن با صدای آهسته گفتن است و ادب صلوات با صدای بلند صلوات فرستادن است. اینها ادب است. هر ذکر، ادبی دارد و اگر آن ادب ادا شود، اثر آن بسیار بیشتر است.

لعن را هرچه آهسته‌تر بگویی، درونی‌تر می‌شود و در این صورت، در وجود و درونت کار می‌کند؛ یعنی ریشه‌ی اصلی همه‌ی بدی‌ها را از وجود انسان می‌کند. چنان‌که می‌دانید، ریشه‌ی همه‌ی بدی‌ها در عالم، همان اولی و دومی هستند. در احادیث باب طینت داریم که اصل طینت سَجِّینی، همین اولی و دومی هستند. مَرَج طینت‌ها که اتفاق افتاد، مقداری از طینت آنها با طینت مؤمن مخلوط شد؛ لذا این مؤمن بداخلاق است یا کار زشتی می‌کند یا گناهی مرتکب می‌شود. این مربوط به همان طینت سَجِّینی است که با طینت او مخلوط شده است؛ و الا اصل طینت او، طینت علیینی است و به همین سبب است که شیعه و دوست اهل بیت علیهم‌السلام است.<sup>۸</sup>

حال، راه خالص شدن انسان و دور ریختن طینت سَجِّینی که با طینت او مخلوط شده، چیست؟ راهش لعن است. کسانی که لعن نمی‌کنند، خودشان را از یکی از سازنده‌ترین چیزها محروم می‌کنند. اما همان‌طور که گفتیم، لعن هرچه آهسته‌تر و درونی‌تر باشد، این کار را مؤثرتر انجام می‌دهد و ریشه را بیشتر می‌کند؛ لذا اگر خواستیم لعن کنیم، این ادب لعن را هم مراعات کنیم.

پس لعن، فحاشی نیست. فحاشی، بددهنی و بدگویی کردن اصلاً زیبنده‌ی مؤمن نیست. لعن چیزی نیست که شخص خیلی با داد و قال بگوید؛ هرچه آهسته‌تر و درونی‌تر، مؤثرتر و سازنده‌تر. خدای - ناکرده طوری نباشد که انسان بهانه‌ای به دست دشمنانی بدهد که می‌خواهند سقاخانه با شیعیان

---

<sup>۸</sup>. کلینی، کافی، ج ۲، صص ۲-۱۳.

مواجه شوند و توجیهی هم درست کنند که ما به این خاطر بود که رفتیم اینها را قلع و قمع کردیم و امثال اینها.

دو سه نکته‌ی دیگر هم بگویم. اینها حقیقتاً برای من سؤال است. من راجع به اینها اصرار نمی‌کنم؛ مطالبی که الآن گفتم و در کتاب نوشته‌ام، از نظرم لازم به تأکید است؛ اما نکته‌هایی هم وجود دارد که مقداری باید به آنها توجه کنیم. روز نهم ربیع‌الاول را به‌عنوان روز به دَرَک واصل شدن دومی جشن می‌گیرند؛ در حالی که شیعه و سنی هر دو نقل کرده‌اند روزی که دومی توسط ابولؤلؤ ضربت خورد، روز بیست‌وششم ماه ذی‌الحجه بود و سه روز هم طول کشید تا به دَرَک واصل شد؛ یعنی روز بیست‌ونهم ماه ذی‌الحجه. پس نهم ربیع روز به دَرَک واصل شدن او نیست؛ نه شیعه نقل کرده است و نه سنی. تنها چیزی که من پیدا کردم، این است که در بعضی از تواریخ نقل شده است که نهم ربیع روزی است که مختار ثقفی، عمرسعد را به انتقام واقعه‌ی کربلا کشت. نهم ربیع مربوط به عمر بن -خطاب نیست؛ بلکه مربوط به عمر بن سعد بن ابی‌وقاص است. این یک نکته که خواستم به آن توجه کنید.

البته من به‌صورت جدی به اصل تبری و لعن تعهد دارم. هیچ روزی نیست که من روزم را با لعن شروع نکنم. این را گفتم که بدانید من اصلاً جزو کسانی نیستم که عارف‌مسلمکی و صوفی‌منشی به خرج می‌دهند و کلاً می‌گویند لعن نکنید. متأسفانه غزالی در یکی از کتاب‌های خود نوشته است حتی یزید بن معاویه را هم نباید لعن کرد؛ چون ممکن است خدا او را بخشیده باشد.<sup>۹</sup> پناه می‌بریم به خدا از این کج‌فکری‌های صوفیانه که اینها دارند! آری، من از بحث لعن با استحکام دفاع می‌کنم؛ پای آن هم ایستاده‌ام و خودم هم به لطف خدا از آن بسیار بهره برده‌ام؛ ولی درعین حال می‌خواهم به نکته‌هایی هم که گفتم جای تأمل دارد، کمی فکر کنیم.

---

<sup>۹</sup> غزالی، احیاء العلوم، ج ۳، ص ۱۰۶.

نکته‌ی دیگر این است: تولّی اصل است و تبرّی به تبع تولّی می‌آید. یعنی چه؟ یعنی این موضوع که من اهل‌بیت علیهم‌السلام را دوست دارم، اصل است. حال اگر کسی با اهل‌بیت علیهم‌السلام دشمنی کند، او را دشمن می‌دارم. اصل، دوستی اهل‌بیت علیهم‌السلام است؛ اصل، تولّی است. پس تولّی تأثیرگذارتر از تبرّی است.

امیدوارم خدا کمک کند حقّ این مطالب را بتوانیم ادا کنیم و درعین حال از طرف دیگر مسؤولیت پیدا نکنیم که بحث لعن و تبرّی سست شود. عرض من این است؛ این سؤال برای من همیشه بوده است؛ امیدوارم اگر دوستان جوابش را پیدا کردند، بیایند و به من کمک کنند. آن سؤال این است که روز هشتم ماه ربیع‌الاول روز شهادت امام عسکری علیه‌السلام است. حال که امام انسان شهید شده است، همین که اذان مغرب را گفتند، لباس قرمز می‌پوشد، بشکن می‌زند و جشن می‌گیرد؟ وقتی پدر ما بمیرد، چنین کاری می‌کنیم که وقتی امام ما به شهادت رسیده است، این کار را بکنیم؟ این هم برای من سؤال است؛ یعنی حقیقتاً برای من حل نشده است. چرا روز نهم ربیع‌الاول؟ بگذارید همان روز بیست‌ونهم ذی‌الحجه جشن بگیرید. نمی‌گوییم جشن نگیرید؛ بگیرید؛ پايکوبی هم بکنید، بگویند، بخندید، شیرینی بدهید و شادی کنید. خیلی هم قشنگ است؛ ولی این سؤال در ذهن من وجود دارد که روزی که امام به شهادت رسیده است، یعنی چه که ما جشن بگیریم؟

بعضی این جواب را می‌دهند که روز نهم ربیع‌الاول روز تاجگذاری امام زمان علیه‌السلام است؛ ما به خاطر این جشن می‌گیریم. اولاً تاجگذاری یعنی چه؟ مگر امام ما شاهنشاه آریامهر است که تاج بگذارد؟ این ادبیاتی است که از فرهنگ شاهنشاهی آمده است. مگر امام روی سرش تاج می‌گذارد؟ به کار بردن تعبیر روز تاجگذاری برای امام علیه‌السلام تعبیر زشتی است.

ثانیاً مگر روز بعد از شهادت امام قبلی، امام بعدی امام می‌شوند؟ همان لحظه‌ای که امام شهید می‌شوند، همان لحظه هم امام بعدی امام می‌شوند؛ یعنی همان هشتم ماه ربیع‌الاول که امام عسکری علیه‌السلام به شهادت رسیدند، همان لحظه امام زمان علیه‌السلام بار امامت بر دوششان قرار گرفت، نه روز نهم؛ که ما روز نهم را به‌عنوان روز آغاز امامت امام زمان علیه‌السلام جشن بگیریم.

من سؤال می‌کنم: آیا راجع به یازده امام دیگر ما این کار را می‌کنیم؟ مثلاً روز بیست‌ویکم ماه رمضان ما جشن تاجگذاری امام مجتبیٰ علیه السلام را می‌گیریم یا برای شهادت حضرت امیر علیه السلام عزاداری می‌کنیم؟ روز بیست‌وهشتم صفر که تازه سپری شده است، یعنی روز شهادت امام مجتبیٰ علیه السلام، ما جشن روز اول امامت امام حسین علیه السلام را گرفتیم؟ روز یازدهم محرم ما جشن روز اول امامت امام سجاد علیه السلام را می‌گیریم؟

حقیقتاً من برای این سؤال‌ها جواب پیدا نکردم. ممکن است واقعاً جواب داشته باشد. اگر کسی جواب آنها را پیدا کرد، به من بگوید و اگر من قانع شدم، خودم پشت این تریبون می‌آیم و جواب می‌دهم. می‌خواهم بگویم در انتخاب این روز حُسن سلیقه به خرج داده نشده است. واقعاً من برای این کار توجیهی نمی‌بینم که روزی که انسان عزادار است و به خاطر شهادت امام عسکری علیه السلام سیاه پوشیده است، همین که اذان مغرب را گفتند، لباس سیاهش را درآورد؛ لباس قرمز بپوشد و جشن بگیرد؛ بشکن بزند؛ بگوید و بخندد و شیرینی بدهد. به نظر من انتخاب این روز، انتخاب مناسبی نبوده است. شاید اگر روز دیگری این کار می‌شد، خیلی مناسب‌تر بود. توجیه روز اول امامت امام زمان علیه السلام، با توضیحی که در مورد سایر ائمه علیهم السلام دادم، فکر می‌کنم توجیه خیلی مناسبی نباشد.

از خدای متعال می‌خواهیم که محبت و ولایت اهل بیت علیهم السلام و برائت و بیزاری از دشمنان آنان را، آن به آن در قلب ما افزون فرماید و ما را از دوستان، یاران، شیعیان، عاشقان و دلدادگان راستین امام عصر ارواحنا فداه و از یاران و اعوان حضرت در غیبت و ظهورشان قرار دهد و قلب همه‌ی دوستان اهل بیت علیهم السلام و قلب همه‌ی اولیاء و انبیاء علیهم السلام را با صدور امر فرج امام عصر ارواحنا فداه شاد گرداند.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ